



"تحولات مسئولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"

ضرورت ایجاد ارزش های نو در حقوق مسئولیت مدنی با تأکید بر ارزش های انصاف و عفو

میلاذ دهقانی. دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست متری قائم، بلوار

قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷-۰۹۳۵۳۵۲۶۲۳۴ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - milad.dehghani@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد. ۰۹۱۵۳۱۳۷۰۷۷ - soltani@um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولتشانلو. دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست متری

قائم، بلوار قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷-۰۹۱۹۰۰۴۰۲۵۳ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

چکیده

توسعه و تکامل چشمگیر و شگرف دانش و تکنولوژی در عصر حاضر و تداوم آن، موجب به وجود آمدن موضوعها و پدیدههای نوین در زندگی فردی و اجتماعی انسان شده است که بازتاب آن را می توان به خوبی در گسترش دامنه مسئولیت مدنی و در نتیجه ضرورت ایجاد ارزش های نوینی در این حوزه مشاهده کرد. توجه به این ارزش ها موجب تحولات و دگرگونی هایی در مبانی مسئولیت مدنی همچون مبنای تقصیر و ... شده است. توجه به ارزش هایی چون انصاف و عفو که از جمله فضایل اخلاقی و ضروری هستند موجب می شود، قاضی بتواند در مواردی که به تشخیص خود، شخص زیان دیده صلاحیت دریافت خسارت را دارا است، از باب انصاف حکم به جبران خسارت زیان دیده کند؛ هرچند عامل زیان مقصر نباشد. در همین مورد ترجیح اماره قضایی بر اماره قانونی می تواند کارساز باشد. البته در علم فقه و نظام حقوقی اسلام، بر توجه به عفو و انصاف بسیار تأکید شده است. اهمیت انصاف موجب شده است که برخی کشورها آن را جزء منابع حقوق و برای آن دادگاه خاص وضع کنند.

در این تحقیق ضمن تبیین ارزش های عفو و انصاف در منابع اسلامی، موارد و مصادیق آن در احکام فقهی و نیز کیفیت کاربردی کردن آن در وضع قوانین و اجرای آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: عفو، انصاف، مبانی مسئولیت مدنی، منابع حقوق.

**"تحولات مسئولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

امروزه گسترش دامنه مسئولیت مدنی موجب ایجاد ارزش های نوینی در حوزه مسئولیت مدنی شده است. وجود این ارزش های نو، تحولات و دگرگونی هایی در مسئولیت مدنی ایجاد کرده که باعث کارآمدی و پویایی آن شده است؛ از جمله این ارزش ها، انصاف و عفو است. انصاف و عفو از جمله فضایل اخلاقی به شمار می روند که در همه ابعاد زندگی، لازم و ضروری هستند. وجود انصاف و عفو در رویه قضایی دادگاه ها، موجب می شود که قاضی بتواند در مواردی که به تشخیص خود، شخص زیان دیده صلاحیت دریافت خسارت را دارا است، از باب انصاف حکم به جبران خسارت زیان دیده کند؛ هرچند عامل زیان مقصر نباشد یا در جرایم مدنی با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و روانی محکوم علیه مبنی بر اینکه بزهکار اصلاح شده است، مشمول عفو قرار گیرد. انصاف در مسئولیت مدنی حکم می کند که دعوا به گونه ای رسیدگی شود که در حق هیچ کس اجحافی صورت نگیرد و ظلمی در حق کسی نشود. جایگاه انصاف در حقوق آنچنان رفیع است که در بعضی کشورها جزء منابع حقوق آنان به شمار می رود. بعضی حقوقدانان یگانه منبع حقوق را قانون می دانند و قانون را معیار قضاوت و دادرسی قرار می دهند اما باید توجه داشت که قانون به تنهایی نمی تواند کارکرد خوب و درستی در اجرای قوانین در مسائل مختلف داشته باشد بلکه اموری چون انصاف و عفو به کمک قانون شتافته و بسان دو بال دوشادوش قانون در محاکم قضایی مورد استفاده قرار می گیرند به گونه ای که نمی توان نقش انصاف و عفو را در محاکم قضایی در اجرای صحیح قوانین نادیده گرفت. در حقوق مدنی اسلام، عفو و گذشت، آثار حقوقی قابل توجهی دارد و در صورت گذشت زیان دیده، قاضی با اختیاراتی که دارد، می تواند جرایم مدنی را مورد تخفیف قرار دهد. در این تحقیق ضرورت ارزش های انصاف و عفو در حقوق مسئولیت مدنی به عنوان ارزش هایی نو از سوی حقوقدانان برای شکوفایی حقوق مطرح شده است. در واقع وجود انصاف و عفو در مسئولیت مدنی انعطاف پذیری حقوق را در این حوزه بیشتر می کند؛ خصوصاً در جامعه مدرن امروزی که صنایع و علوم گسترش یافته و روابط انسانی ماشینی شده است. در این مقاله می خواهیم به این سوال پاسخ دهیم که انصاف و عفو به عنوان دو ارزش جدید و گرانقدر چه جایگاهی در حوزه مسئولیت مدنی دارند؟ و وجود آن ها در این حوزه چه ضرورتی دارد؟ باید توجه داشت که درباره مسئولیت مدنی، عفو مجرمان در جرایم مدنی و انصاف، کتاب، پایان نامه و مقالات زیادی وجود دارد اما درباره این موضوع خاص که «ضرورت ایجاد ارزش های نو در حقوق مسئولیت مدنی با تأکید بر ارزش های انصاف و عفو» است، هیچ تحقیقی صورت نگرفته و این تحقیق حاصل تلاش نویسندگان این مقاله است. یکی از موانع این مقاله این است که درباره عفو در جرایم مدنی هیچ کتاب، پایان نامه و مقاله ای وجود ندارد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و هدف از این مقاله آن است که انصاف و عفو را به عنوان ارزش های نو در پویایی قلمرو مسئولیت مدنی ارائه دهیم و ضرورت وجود این ارزش ها را در حقوق مسئولیت مدنی تبیین کنیم.

**تعریف مسئولیت مدنی**

در اصطلاح حقوقی «مسئولیت مدنی» دارای دو معنای عام و خاص است. در معنای عام به هر گونه تعهدی که قانون بر عهده شخص قرار داده باشد تا زیان وارد شده به دیگری را جبران کند، مسئولیت مدنی گفته می شود، اعم از اینکه ریشه قراردادی داشته یا نداشته باشد. بر این اساس، مسئولیت مدنی به دو شاخه «مسئولیت مدنی قراردادی» و «مسئولیت مدنی غیر قراردادی» تقسیم می شود. مسئولیت مدنی به معنای خاص تنها مسئولیت مدنی غیر قراردادی را در بر می گیرد. در حقوق ایران بیشتر مسئولیت مدنی غیر قراردادی مدنظر است، به همین خاطر هنگامی که سخن از مسئولیت مدنی به میان رانده می شود و آنچه که به ذهن متبادر می شود، مسئولیت مدنی غیر قراردادی است. (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳)

در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ چنین آمده است: «ملزم بودن اشخاص به جبران خسارت و زبانی که بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا هر حقی به دیگری وارد می شود. بر این مبنا هرگاه شخص ناگزیر از جبران خسارت باشد، می گویند در برابر دیگری مسئولیت مدنی دارد و رابطه ای بین زیان دیده و زیان زننده با موضوع جبران خسارت محقق می شود.» بنابراین در مسئولیت مدنی، عامل زیان آور باید خسارت شخص زیان دیده را بپردازد؛ خواه این کار را از روی قصد و عامدانه انجام داده باشد و خواه از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی.

انصاف و اهمیت آن در مسئولیت مدنی

در مصباح المنیر آمده است: «نصفت الشی؛ الرجل انصافا عاملته بالعدل والقسط» نصف چیزی یا اینکه مرد با انصاف با عدل و قسط عمل می کند. (فیومی، بی تا، ج ۱: ۳۱۳) انصاف در لغت یعنی داد دادن، حق دادن، راستی کردن و صداقت نمودن است. (معین، ۱۳۸۷: ۱۷۰) دکتر کاتوزیان می گوید: «انصاف احساس مبهمی است از عدالت که در مقام اجرای قواعد حقوق در اشخاص ایجاد می شود و وسیله تعدیل و متناسب کردن آن ها با موارد خاص است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۷۹) درباره انصاف از سوی دانشمندان قدیم و جدید نظریه های گوناگونی مطرح شده است. تاریخچه انصاف به ارسطو فیلسوف یونانی بازمی گردد. دیدگاه او درباره انصاف این است که انصاف پشتوانه حقوق است و آن را از حالت خشکی و جمود در می آورد. در بررسی ریشه تاریخی انصاف به این دستاورد می رسیم که از پیوند انسان با حقوق فطری و پیوستگی عدالت طبیعی با عدالت میان انسان با انسان، انصاف شکوفه زده است. تکامل انصاف با اصل «دادگاه مهرباری» در انگلستان گره خورده است و امروزه انصاف و مهرباری مترادف یکدیگر به کار می روند. دوران نوین انصاف با مهرباری ناتینگام در سال ۱۶۷۴ آغاز می شود که به پدر انصاف انگسی معروف است. ناتینگام اصولش را به ویژه در زمینه تراس ها سازماندهی کرد. در انگلستان قوانین دادگستری، دادگاه های کامن لا و دادگاه عالی مهرباری را القا کرد و دادگاه عالی، عدالت را برپا ساخت که اصول قانون را درست مانند خود قانون به کار می بندد. نظام انگلیسی انصاف با تغییراتی به مستعمره های آمریکایی راه یافت. امروزه در بیشتر ایالت های آمریکا و همچنین در دادگاه های فدرال،

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

قانون و انصاف به هم آمیخته است و در همان دادگاه یک آیین دادرسی برای هر دو دعاوی (قانون و انصاف) به کار گرفته می شود. (ساکت، ۱۳۸۷: ۴۰۸ و ۴۱۰)

انصاف یکی از زیباترین خصلت های اخلاقی است که رعایت آن برای رسیدن به کمال لازم و ضروری است. در انصاف، اصل هر چه برای خود می پسندی برای دیگری هم بپسند، حاکم است؛ یعنی هر خوبی را که برای خود می خواهیم، برای دیگری نیز بخواهیم و هر شری را که برای خود نمی خواهیم برای دیگری هم نخواهیم. در آیات و روایات به انصاف سفارش شده است، چنانکه در اصول کافی از امام صادق نقل شده است که: «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْحَسَنِ الْبُرْزَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِي حَدِيثٍ لَهُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ فَذَكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ أَوْلَاهَا إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ» آیا شما را به شدیدترین چیزی که خدا بر مخلوقش واجب کرد، آگاه نکردم؟ پس بیان کرد که آن سه چیز است و اولین چیز انصاف به مردم نسبت به خود است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۴۵) انصاف بسیار شبیه عدالت است اما با آن تفاوت دارد. انصاف که نشأت گرفته از وجدان بشری است در موارد خاص که چیزی ناعادلانه جلوه می کند به منظور تصحیح قوانین اعمال می شود. رعایت انصاف دشوار است و عمل نکردن به آن تباهی دنیا و آخرت شخص و جامعه را در پی دارد. مهم ترین مورد رعایت انصاف در مقام قضاوت است. قضاوت، مقام ولایت و امانت الهی، جایگاه رفیعی است که قضات باید بر اهمیت آن واقف باشند. انصاف به عنوان یکی از اصول اخلاقی، ریشه در وجدان آدمی دارد. قاضی جدا از اینکه باید استنادات و ادله خود را مقید به قانون نماید و بر طبق آن حکم صادر نماید، انسان است و وجدان دارد. او به ندای وجدان خود حساس است و در صورت مشاهده بی انصافی از خود واکنش نشان می دهد و بر طبق آن قانون و انصاف تصمیم گیری کرده و حکم صادر می کند. کسی که بر منصب قضا می نشیند باید انصاف را در تمامی مراحل قضاوت رعایت نموده و سخنی جز حق بر زبان جاری نکند. رفتار منصفانه قاضی موجب می شود که او تحت تأثیر احساسات قرار نگیرد و همواره پشتیبان حق و حقیقت باشد. البته وجدان قاضی نیز او را متمایل به انصاف می کند اما در بعضی موارد مشاهده می شود که قضاتی با گرفتن رشوه بر خلاف حقیقت حکم می کنند و از راه انصاف بیرون می روند که البته این قضات ستمگرند و جایگاه آنان در آتش جهنم است. چنانکه خداوند در آیه ۴۵ سوره مائده می فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، ستمکار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲) البته قضاوت آنگونه که به ذهن عوام مردم خطور می کند، منحصر به دادرسی در دادگاه و مراجع قضایی نیست بلکه در تمام مراحل زندگی که شخص بر کرسی قضاوت است و درباره کسی قضاوت می کند، نیز هست و انصاف در آنجا نیز حاکم است؛ اما بحث ما در این تحقیق درباره انصاف در مراجع قضایی می باشد.

بقای جامعه بشری نیازمند انصاف است. کسانی که فقط به قانون تکیه می کنند و به انصاف بی اعتنا هستند در واقع بخشی از منابع حقوق را نادیده می گیرند که این بی اعتنایی منجر به از هم پاشیدن جامعه و لطمه به روابط انسانی می شود. انصاف ریشه در پیوند ناگسستنی حقوق و عدالت دارد. انصاف صرف نظر از اینکه یک قاعده فقهی است، بسیار شبیه عدالت است و گاه به جای یکدیگر هم به کار می روند اما با هم تفاوت دارند. برابری و مساوات از لوازم دادخواهی است. ارتباط عدالت با حقوق بیشتر است و جنبه نوعی و همگانی دارد اما پیوند انصاف با اخلاق نزدیک تر است. در هر رابطه، انصاف حکم خاص دارد و همه خصوصیت ها را در

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

بر می گیرد. عدالت حکم می کند که مدیون باید به عهد خود وفا کند ولی گاه انصاف اقتضا دارد که به او مهلت داده شود یا از میزان طلب کاسته شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۸۳)

با وجود تغییر و تحولات در زمینه مسولیت مدنی، مفهوم انصاف همچنان در حقوق پابرجاست و کارایی خود را از دست نداده است. امروزه از انصاف به عنوان عدالت اجتماعی یا عدالت توزیعی نام می برند. نظر ارسطو درباره عدالت اصلاحی این چنین است که عدالت اصلاحی حدوسط بین نفع و ضرر است... و چون عدالت نوعی حدوسط است پس قاضی هم میانجی است و برابری را برقرار می کند... درست مثل اینکه خطی را به دو قسمت غیر مساوی تقسیم کرده باشند، قاضی از قسمت بلندتر آن نقطه را که مازاد بر نصف خط کامل است بر می دارد و آن را بر قسمت کوتاه تر می افزاید. (بادینی، ۱۳۸۴: ۸۵) عده ای نظریه عدالت اصلاحی ارسطو را در تاریخ فلسفه حقوق، معتبرترین نظریه می دانند. در مسولیت مدنی، زیان دیده از جهات مختلف در کانون توجه قرار دارد و جبران خسارت او یکی از مهم ترین اهداف مسولیت مدنی است.

وجود انصاف در مسولیت مدنی اقتضا می کند که رسیدگی به مسائل مختلف و دادرسی به صورت بهتر صورت گیرد و قوانینی که در جامعه حکم فرماست به حکم الهی نزدیک تر گردد. در واقع انصاف، دریچه ای نو در مسولیت مدنی ایجاد می کند و موجب می شود که قانونگذاری به صورت صحیح و عادلانه انجام شود.

عفو و اهمیت آن در جرایم مدنی

در صحاح تاج اللغة آمده است: «عفو المال ما يفضل عن النفقه؛ يقال أعطيته عفو المال» عفو مال آن چیزی است که از نفقه می بخشد یا چیزی است که آن را اعطا می کند. (جوهری، بی تا، ج: ۶، ۲۴۳۲) پس عفو در لغت عرب به معنای اعطا کردن و بخشیدن است. (عفو در لغت یعنی از گناه کسی درگذشتن، بخشودن، گذشتن و بخشایش است. (معین، ۱۳۸۷: ۷۱۹) از نظر اصطلاحی عفو اقدامی است که به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می گیرد. (رجایی، ۱۳۸۸: ۱۳) عفو یکی از عوامل سقوط و یا تخفیف مجازات و نیز ابراز رأفت و محبت نسبت به محکومان است که از طرف عالی ترین مقام کشور و یا مرجع قانون گذاری اعطا می گردد. عفو که از طریق عالی ترین مقام کشور اعطا می گردد، عفو خصوصی و عفو دیگر، عفو عمومی نامیده می شود. عفو عمومی بیشتر پس از انقلاب ها، تشنجات سیاسی یا در نتیجه پیش آمدهای ناگوار اجتماعی یا جنگ و خونریزی اعمال می شود. (شاه پور جانی، ۱۳۹۶: ۴) از واکنش های طبیعی و ابتدایی در برابر مجرم و قانون شکن در همه دوره ها و جوامع گوناگون تنبیه و مجازات است ولی از دیرباز در کنار مجازات مقوله عفو نیز مطرح بوده و افرادی که مرتکب جرم می شدند در مواردی و با شرایطی خاص مورد عفو قرار می گرفتند. در عصر حاضر با وجود نهادهایی چون آزادی مشروط و انواع تعلیق و ... عفو همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است. (رجایی، ۱۳۸۴: ۱۵) در مواردی مشاهده می شود که مجرم در مدت دستگیری و محاکمه از کرده خود پشیمان شده است و اعمال مجازات و حبس او منجر به آثار نامطلوبی در مجرم و جامعه می شود. در این حالت، عفو مجرم بهترین راه است؛ چرا که اعمال مجازات و ماندن او در زندان و همجواری با زندانیان، آبرو و حیثیت مجرم را می برد و شخصیت او را به ارتکاب جرم جدیدی سوق می دهد.

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"****مبانی انصاف**

مبنای فقهی انصاف در کتاب، سنت، اجماع و عقل آمده است. قاعده «لاضرر» نیز مؤید انصاف هستند، که به طور مختصر و مفید به ذکر آنان می‌پردازیم. در قرآن کریم آیات متعددی درباره رعایت قسط و عدل آمده است، از جمله این آیات، آیه ۲۵ سوره حدید است که می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲) در این آیه واژه «قسط» هرچند به طور صریح به معنای انصاف نیست اما به انصاف اشاره دارد و بیانگر این است که قاضی باید اصل انصاف را مراعات نماید. روایات فراوانی نیز از ائمه معصوم (ع) درباره انصاف آمده است. گفته شده است: «انصاف برترین ارزش‌هاست» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۷) در کتاب شریف نهج البلاغه چنین آمده است: «حق هنگام توصیف و در مقام گفتار فراخ‌ترین چیزها است ولی هنگام عمل و رعایت، انصاف از همه چیز سخت‌تر است. (قربانی، بی‌تا: ۴) امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌گوید: «پس هنگام داوری در میان مسلمانان طوری قرار بگیر که نگاه و گفتار و نحوه نشستن تو نسبت به آن‌ها یکسان باشد تا خویشان نزدیک تو طمع و چشم‌داشت ظلم و ستم نداشته باشند و دشمن تو از عدل و انصاف تو مأیوس نگردد. (مهدوی ارزگانی، ۱۳۸۷: ۳۴) در منابع دینی درباره قضاوت و صفات قاضی، وابسته‌های داوری و برکات اجرای حدود الهی و پاداش قاضیان خداترس و عادل و باانصاف رهنمودهای ارزنده‌ای وجود دارد. (بریموندی، ۱۳۸۷: ۱۱)

فقه‌های شیعه در کتاب‌های خویش درباره انصاف بسیار سخن گفته‌اند و انصاف را اساس و پایه رسیدن به عدالت می‌دانند؛ اگرچه فقها درباره انصاف تحت عنوانی مستقل بحث نکرده‌اند اما می‌توان از سخنان و تأکیداتی که درباره انصاف در تمامی ابعاد زندگی دارند، اینگونه برداشت کرد که فقها درباره انصاف به طور غیرمستقیم اجماع دارند. عقل بشری ذاتاً انصاف را می‌پذیرد و در بحث حسن و قبح عقلی، عقل حکم به انصاف و قبح بی‌انصافی می‌کند؛ یعنی هر عقل سلیمی که واژه انصاف را بشنود، به خوبی و نیکویی آن حکم می‌کند. پس انصاف از نظر عقلی نیز تأیید شده است. همچنین بر طبق اصل «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» انصاف از لحاظ شرعی نیز تصدیق می‌گردد.

قاعده فقهی «لاضرر» نیز بر انصاف دلالت دارد و آن را تصدیق می‌کند. قاعده لاضرر از مشهورترین قواعد فقهی است که در همه ابواب فقه اعم از عبادات و معاملات کاربرد دارد. شکی نیست که نفی ضرر و ضرار از اموری است که عقل مستقلاً به آن حکم می‌کند. عده‌ای جریان این قاعده را در احکام قضایی دانسته‌اند که تنها در ابواب قضا معتبر و مورد اعتماد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۵) معنای قاعده لاضرر این است که در اسلام هیچ ضرری وجود ندارد. قانون مدنی ایران در معارضه اعمال حق و قاعده لاضرر، حاکمیت لاضرر را پذیرفته است. در این خصوص می‌توان موارد زیر را برای مثال ارائه داد:

الف) ماده ۶۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف منعقد شده باشد، منوط به اجازه دیان است.

ب) ماده ۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: هیچ یک از شرکا نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحوی دیگری ممکن نباشد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۶۱)

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

بر طبق آیات و روایات، اجماع، عقل و قاعده لاضرر می توان استنباط کرد که انصاف دارای پشتوانه قوی و محکمی است.

مبانی عفو

در قرآن کریم و روایات به عفو و گذشت توصیه شده است. آیه ۴۰ سوره شوری یکی از آیاتی است که در آن از عفو سخن گفته شده است. در این آیه چنین آمده است: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن ولی هرکس عفو کند و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ به یقین او ستمکاران را دوست ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲) در عیون الحکم چنین آمده است: «رُبَّ ذَنْبٍ مَقْدَارُ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ إِعْلَامُ الْمَذْنِبِ بِهِ» چه بسا اعلام مجازات به مجرم و گناهکار برای مجازات کردن او کافی باشد. (لیثی واسطی، بی تا: ۲۶۷) در وسائل الشیعه نیز آمده است: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مَرْوَةَ تَنَا الْعُفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا» مروت ما اهل بیت عفو و گذشت نسبت به کسانی است که به ما ظلم کردند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۱۷۴) آیات و روایات در این زمینه فراوان است و در اینجا فقط به ذکر نمونه‌ای از آن‌ها پرداختیم.

حقوقدانان امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای مجازات مجرم، همیشه بهترین راه اصلاح او نیست. کیفرزدایی از گذشته به روش‌های مختلفی مطرح بوده است. اگر پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه عفو عمومی اعلام نمی‌کرد، بسیاری از کسانی که در آزار و اذیت مسلمانان و غارت اموال ایشان دخالت داشتند یا در جنگ‌ها دستشان به خون مسلمانان آلوده شده بود، خود را در معرض محاکمه و مجازات می‌دیدند و مقاومت می‌کردند و یا به مناطق دیگر پناهنده می‌شدند و در پی یافتن فرصت و ضربه زدن به پیامبر و حکومت نوپای اسلامی برمی‌آمدند ولی ایشان با درایت و دوراندیشی نه تنها از این تهدید جلوگیری کرد بلکه با نشان دادن رحمت و رأفت اسلامی، نور امید را در درون دل‌های مردم زنده کرد و باعث شد تا مردم گروه گروه به اسلام بگروند. اگر مصلحت جامعه اسلامی در آن روز اقتضایی دیگر داشت، پیامبر آن را نادیده نمی‌گرفت. مؤید این سخن تصمیمی است که پیامبر درباره جنگجویان بنی قریظه و اسیران بدر گرفت. مردان بنی قریظه به اعدام محکوم شدند و آزادی اسیران به پرداخت فدیة یا آموزش خواندن و نوشتن به کودکان مسلمان مشروط شد. (رجایی، ۱۳۸۴: ۷۹ و ۸۰) همچنین در غزوه خندق یا احزاب، پیامبر اکرم (ص) ۲ نفر را آزاد کرد. این بخشش‌ها در صدر اسلام کنایه از این است که عفو و گذشت گاهی بهتر از اجرای مجازات است و بهتر می‌تواند مصلحت جامعه را تأمین کند. هرچند مبانی‌ای که ذکر شد، بیشتر در مورد جرایم کیفری است اما عفو به‌طور کلی و عام شامل همه ابعاد اعم از کیفری، مدنی و ... است، حتی در طول زندگی انسان‌ها و در جمع خانوادگی و دوستانه هم چهره های عفو و گذشت افراد مشاهده می‌شود و تنها مختص به حوزه جزایی و کیفری نیست. حال سخن ما در این تحقیق، درباره جرایم مدنی است که شخص به‌خاطر ورود ضرر به دیگری، مسئول شناخته شده و باید در صدد جبران خسارت برآید و به اصطلاح این شخص، مجرم مدنی است.

جایگاه و مصادیق انصاف و عفو در مسولیت مدنی

انصاف در حقوق کشورهای چوَن انگلیس و فرانسه جزء منابع حقوقی آنان به‌شمار می‌رود؛ اما متأسفانه در قوانین حقوق ایران، انصاف جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. اگر انصاف جایگاه مناسب خود را در میان نصوص قوانین پیدا می‌نمود دیگر نیازی

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

به اثبات آن نبود. در تمامی قوانین ایران، فقط در یک ماده قانونی از انصاف سخن گفته شده است و آن هم ماده ۵۷۱ قانون تجارت است. در این ماده چنین آمده است: «در ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده، در صورت موافقت آن‌ها با قانون حکم اعاده اعتبار می‌دهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده، به طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند، حکم می‌دهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.» علیرغم فقدان نصوص صریح قانونی درباره انصاف، قوانین حقوق ایران به‌طور غیرمستقیم به انصاف اشاره دارند. مثلاً ماده ۳۸۷ قانون مدنی ۳۸۷ قانون مدنی بیان می‌کند: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد، که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود» در این ماده به‌طور غیرمستقیم به انصاف اشاره شده است؛ چون اگر کالا زمانی که در دست بایع است، تلف گردد، انصاف این است که نباید آن تلف و ضرر را به مشتری نسبت دهیم؛ چرا که مشتری در اینجا مقصر نیست و کالا هم در دست او نبوده است. پس بر طبق انصاف، زیان برای شخصی است که کالا در دستش بوده و کالا در این فرض در دست بایع است. حقوقدانان معتقد به انصاف بر این نکته به‌طور ضمنی توافق دارند که مفهوم انصاف پهنه وسیعی از روابط حقوق را در بر می‌گیرد، چرا که انصاف یک مفهوم ارزشی است. به بیان دیگر یعنی اینکه انصاف، نوعی ارزش‌گذاری برای یک پدیده عینی است. بدین معنا هنگامی که یک ارتباط یا رفتار یا تصمیم‌گیری صورت می‌پذیرد، می‌توان از آن تلقی منصفانه و غیرمنصفانه داشت؛ بنابراین در عرصه حقوق می‌توان حالت‌های مختلفی را مشخص ساخت که درباره آن این ارزش‌گذاری امکان تحقق دارد. (آجورلو، ۱۳۷۸: ۲۳)

عفو و گذشت انسان از حقوق خود یکی از والاترین ارزش‌های انسانی است. مصادیق عفو و انصاف در مسئولیت مدنی بسیار زیاد است و در جای جای قانون مسئولیت مدنی و رویه دادرسی می‌توان عفو جاری کرد. در مسئولیت مدنی، شخصی که به دیگری ضرری وارد کرده، مسئول جبران خسارت است و باید در صدد خسارت برآید. گاهی مشاهده می‌شود که عامل زیان این ضرر و خسارت را از روی عمد انجام نداده است و شخصی بی‌بضاعت است و توان مالی پرداخت خسارت را ندارد. در اینجا شخص مقابل (زیان‌دیده) می‌تواند از حق خود گذشت کند و دعوی جبران خسارت خود را پس بگیرد. یا در مواردی قاضی با دیدن شرایط و اوضاع مالی عامل زیان و مقصر نبودنش، حکم به عفو او می‌کند. از نظر قرآن عفو گذشت انسان از حق خویش امری ارزشمند و حتی مستحب است و این ارزشمندی در شرایطی چون قدرت بر انتقام و عقوبت و ناتوانی طرف مقابل، خصوصاً در امور مالی و تخلفات جنگی، اختلافات خانوادگی و مانند آن‌ها ارزش بیشتری می‌یابد. (شیعه نیوز، ۱۳۹۵) عفو و گذشت مانند انصاف در حقوق ایران و منابع حقوقی آن، جایگاه چندانی ندارد و به آن بهای زیادی داده نشده است. مواردی که در اینجا درباره انصاف و عفو گفته شد، فقط نمونه‌ای از کاربرد انصاف و عفو در رویه دادرسی است و از ذکر تمامی موارد به‌خاطر رعایت اختصار نویسی خودداری می‌شود.

ضرورت انصاف و عفو در مسئولیت مدنی

با اینکه زندگی مادی بشر و افکار پیرامون اصالت فرد باعث جدایی قواعد حقوق و اخلاق شده‌اند، هنوز هم اخلاق را باید مهم‌ترین منبع حقوق به‌شمار آورد. قانونگذار خواه و ناخواه از نفوذ اخلاقی محیط خود مصون نیست و ناچار است که برای حفظ

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

نظم و تأمین اجرای قانون، قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند؛ یعنی تا حد امکان به کاری فرمان دهد که مردم آن را نیکو می‌شمارند و عادت‌ها را نهد که وجدان عمومی از آن گریزان است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۰) انصاف و عفو دو مقوله اخلاقی هستند که رعایت آن‌ها در زندگی و دادرسی، آثار و فواید زیادی با خود به همراه دارد. ملاحظات اخلاقی و انصاف عده زیادی از حقوق‌دانان را به پذیرش نظریه خطر واداشته است. آنان استدلال خود را با این پرسش آغاز می‌کنند: هنگامی که خسارتی به بار می‌آید چه کسی باید آن را تحمل کند، زیان‌دیده یا واردکننده زیان؟ اگر واردکننده زیان مرتکب تقصیر شده باشد، تردیدی وجود ندارد که وی باید خسارات را جبران کند؛ زیرا عادلانه است که وی آثار اشتباه در رفتار خود را تحمل کند اما در صورتی که هیچ‌کدام از آنان دچار تقصیر نشده باشند، تکلیف چیست؟ طرفداران نظریه تقصیر در این فرض، بار سنگین خسارت را به دوش زیان‌دیده می‌افکنند اما طرفداران نظریه خطر می‌گویند چرا زیان‌دیده و نه واردکننده زیان، باید خسارت را تحمل کند؟ (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۵۴-۲۵۵) حقوق این بی‌عدالتی را نمی‌پذیرد و انصاف حکم می‌کند که عامل زیان را انتخاب کنیم؛ زیرا که وی مرتکب فعل زیانبار شده در حالیکه زیان‌دیده نقشی در وقوع خسارت نداشته است. (پاشائی، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳) طرفداران نظریه خطر برای توجیه کار خود به انصاف رجوع می‌کنند و می‌گویند وقتی در نتیجه فعالیت و کار کسی به شخصی آسیبی وارد شود، آن شخص از لحاظ اخلاقی و انصاف موظف به جبران خسارت زیان‌دیده است. البته به نظریه خطر انتقادهایی شده است و نظریه کامل و جامعی نیست و نظریه مختلط مناسب به نظر می‌رسد.

طرفداران انصاف بر این باورند که هدف هر نظام حقوقی، محقق ساختن عدالت در روابط اجتماعی است. برای احراز هدف یاد شده، قواعدی وضع شده و توسط مراجع صالح اجرا می‌شود. با این حال خالق قاعده نمی‌تواند از قبل تمام قضایایی را که در آینده بروز پیدا خواهد کرد، پیش‌بینی کند. به این ترتیب ممکن است در بعضی قضایا که هنگام وضع قاعده از نظر دور مانده‌اند، اعمال دقیق قواعد مزبور به نتایجی بینجامد که به طور آشکار غیرمنصفانه باشد. در این صورت انصاف به کمک حقوق شتافته و به قاضی در رسیدگی دعوی کمک می‌کند. (امینی، ۱۳۹۵: ۵۲) به اعتقاد برخی از علمای حقوق، تقصیر عادلانه‌ترین مبنا و منبع مسولیت و مبنای اصلی آن است و خطر به عنوان مبنای فرعی و ثانوی و هنگامی که انصاف اقتضا کند، وارد عمل می‌شود. (صفایی، ۱۳۹۲: ۷۰) در برخی موارد، به‌ویژه جایی که عامل زیان استطاعت جبران تمام یا بخشی از زیان را نداشته باشد، ملاحظات مربوط به انصاف را مؤثر دانسته‌اند. یکی از مثال‌های کاربردی مسولیت سرپرست صغیر و مجنون است که از مهم‌ترین مبنای آن ملاحظات مربوط به انصاف است؛ زیرا معمولاً صغیر و مجنون مال ندارند و اگر سرپرست صغیر و مجنون مسولیتی نداشته باشد، زیان‌دیده با افسار عامل زیان روبه‌رو شده، باید خود زیان را متحمل شود، نتیجه‌ای که انصاف قضایی نمی‌پذیرد. (بادینی، ۱۳۹۲: ۴۰-۴۱) درست است که قاضی مأمور اجرای قوانین و پای‌بند به اراده است اما حکم همه مسائل اجتماعی را در قانون نمی‌توان یافت. در بسیاری موارد، او حق دارد و مکلف است که راه‌حل مناسبی برای دعوی بیابد و در این راه بی‌شک از انصاف الهام بگیرد و قانون را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که به نظر او منصفانه و عادلانه است. (آجورلو، ۱۳۷۸: ۹۹)

اعطای عفو بر حسب مرجع اعطاکننده به عفو عمومی یا عام و عفو خصوصی یا خاص، قابل تقسیم است. عفو بیانگر اندیشه انسانی است که خود را ملزم به نادیده گرفتن گناه و خطای دیگران می‌نماید. گاهی استفاده از بنیاد عفو و اغماض در مقابل بزهکار، آثار تربیتی و اصلاحی فراوانی به دنبال خواهد داشت. البته نباید از نظر دور داشت که بدون شناسایی شخصیت افراد،



"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"

اعطای عفو نه تنها اثر مثبتی ندارد بلکه باعث تجری آنها و آثار سوء دیگری نیز می‌شود. در صورت عفو مجرم، شخصیت اجتماعی او حفظ شده و عزت و احترام او در جامعه باقی می‌ماند. در این صورت شخص خود را در مقابل مدیریت جامعه و سازمان، بدهکار می‌بیند که آثار تربیتی بسیار خوبی بر جای خواهد گذاشت. (شاهپور جانی، ۱۳۹۶: ۱۰ و ۱۷)

با توجه به آیات و روایاتی که درباره انصاف و عفو آمده است، می‌توان اذعان کرد که دین مبین اسلام به انصاف و عفو سفارش کرده و آن را گرامی داشته است. انصاف و عفو در همه ابعاد زندگی جاری است. جریان این دو ارزش گرانبه در حوزه مسولیت مدنی بسیار قابل توجه است. انصاف و عفو در دادرسی مدنی به بهتر شدن و تسریع رسیدگی کمک شایانی می‌کند. انصاف و عفو در موارد خاص که فرد توانایی پرداخت خسارت را ندارد و یا در مواردی که ممکن است در حق زیان دیده یا عامل زیان اجحاف و ناحقی صورت گیرد، اعمال می‌شود. هرچند که در منابع حقوق ایران، انصاف و عفو جایگاه بخصوص و ویژه‌ای ندارند اما می‌توان با پرورش و استفاده زیاد از این دو ارزش گرانبه، آن را کم‌کم در رویه قضایی و منابع حقوق ایران نهادینه کرد. منابع حقوقی ایران حالتی خشک به خود دارد. در این میان، انصاف و عفو در کنار قانون می‌توانند آن را از حالت خشکی در آورده و انعطاف‌پذیر می‌کند. اهمیت زیاد انصاف و عفو در رویه دادرسی مسولیت مدنی اقتضا می‌کند که در منابع حقوقی ایران برای انصاف و عفو هم جایگاه ویژه‌ای قائل شویم و در مواردی که دادرسی از نظر قضایی، ناعادلانه جلوه می‌کند، از این دو ارزش در رسیدگی عادلانه استفاده می‌شود.



"تحولات مسئولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"

نتیجه گیری

انصاف و عفو از مفاهیم اخلاقی باارزشی هستند که وجود آنها در حوزه مسئولیت مدنی کمک شایانی به پویایی آن کرده است. در گذشته تنها منبع قانون در دادرسی وجود داشت و قاضی فقط بر طبق آن حکم می نمود اما امروزه با توجه به تحولات و پیشرفت هایی که در زندگی بشری رخ داده است، دیگر قانون به تنهایی نمی تواند کارکرد درست و عادلانه ای داشته باشد و قاضی ناگزیر است که در رسیدگی به دعاوی در کنار قانون از ارزش های انصاف و عفو نیز کمک بگیرد؛ چرا که دامنه قانون فراگیر و کلی است و به جزئیات توجهی نمی کند و قاضی در موارد خاص و جزئی که حکمی ناعادلانه جلوه می کند، می تواند انصاف و عفو را در حق زیان دیده یا عامل زیان بر طبق شرایط و اوضاع احوال طرفین دعاوی اعمال کند. وجود انصاف و عفو در مسئولیت مدنی بسیار ضروری است؛ چرا که دادرسی و حکم دادگاه را به واقعیت و عدالت نزدیک تر می کند. از طرفی قاضی دادگاه جدا از اینکه باید استنادات و حکم خود را مستند به قانون کند و بر طبق آن حکم صادر نماید، انسان است و دارای وجدان؛ و وجدان قاضی او را به سوی انصاف و عفو رهنمود می کند. از طرفی انصاف و عفو دارای پشتوانه قوی و محکمی هستند و در آیات و روایات به آنان بسیار تأکید و سفارش شده است. انصاف و عفو در منابع حقوقی بعضی کشورها چون انگلیس نقش به سزایی دارد ولی در منابع حقوقی ایران نقش چندانی ندارد. البته می توان ایجاد و گسترش نقش انصاف و عفو را در مسئولیت مدنی از طریق فیلم و سریال و برنامه های آموزشی در فرهنگ ایران نهادینه کرد تا کم کم این فرهنگ در منابع حقوقی ایران نیز جای گیرد. در واقع وجود ارزش های نو چون انصاف و عفو، انعطاف پذیری حقوق را در حوزه مسئولیت مدنی بیشتر می کند.



"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"

منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۳۹۲)، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تهران: عابدزاده.
- ۲- آجورلو، رضا (۱۳۷۸)، انصاف و نقش آن در حقوق خصوصی ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شیراز، ایران.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- ۴- امینی، اعظم (۱۳۹۵)، "بازاندیشی رابطه انصاف و حقوق" مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۶، ص ۳۱-۵۶.
- ۵- بادی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۶- بادی، حسن (۱۳۹۲)، "نقش انصاف در مسولیت مدنی" مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳، ص ۲۶-۴۵.
- ۷- بریموندی، محمدحسین (۱۳۸۷)، چهل حدیث داوری، قم: انتشارات زائر.
- ۸- پاشائی، فاطمه (۱۳۹۵)، نقش انصاف در مسولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بی جا: دارالعلم للملایین.
- ۱۰- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۱۱- رجایی، حسین (۱۳۸۴)، اختیار ولی فقیه در عفو محکومان، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- ۱۲- رجایی، سیدحسین (۱۳۸۸)، عفو و گذشت در حدود، قم: انتشارات جنگل.
- ۱۳- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۷)، حقوق شناسی (دیباچه ای بر دانش حقوق)، تهران: نشر ثالث.
- ۱۴- شاهپور جانی، سعید (۱۳۹۶)، بخشش و عفو محکومان کیفری و جزایی، تهران: انتشارات قانون یار.
- ۱۵- شیعه نیوز (۱۳۹۵)، آثار و برکات عفو و گذشت برای فرد و جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، قابل دسترسی در <http://www.shia-news.com> آدرس
- ۱۶- صفایی، حسین (۱۳۹۲)، مسولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- فیومی، احمد بن محمد (۷۷۰ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: منشورات دارالرضی.
- ۱۸- قانون تجارت (۱۳۱۱)
- ۱۹- قانون مدنی (۱۳۹۲)
- ۲۰- قانون مسولیت مدنی (۱۳۳۹).
- ۲۱- قربانی، زین العابدین (بی تا)، حقوق از دیدگاه نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.



"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"



- ۲۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، کلیات حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافی، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۶- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶)، قواعدفقہ، ۴ جلد، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲۷- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴)، القواعدالفقهیه، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۹- مهدوی ارزگانی، عبدالله (۱۳۸۷)، چهل حدیث حقوق بشر، قم: انتشارات زائر.